

## سردار کابلی

- ۸ -

علامه سید محسن امین را در محرم سال ۱۳۵۳ در کرمانشاه زیارت کردم و چنانکه پیش از این عرض کردم او در آنسال بمنظور جمع آوری مواد تألیف مفصل خویش «اعیان الشیعه» بایران تشریف آورد تا کتابخانه‌هایی را که در شهرهای مختلف ایرانست ببیند و تراجمی بدست آورد بهمین جهت ایامی که در کرمانشاه اقامت داشت هر روز یکی از علماء و فضلاء از او دعوت میکرد که کتابخانه‌اش را بازدید کند روزی که بمنزل سردار کابلی تشریف آورد پس از ملاحظه نسخ خطی و نادر کتابخانه او تألیفات و تصنیفات خودش را خواست آنها را یکی پس از دیگری باشتاب از نظر گذراند و نام هر یک را با جمله اول و آخر آن در دفتر سفید و بزرگی که همراه داشت قید نمود ولی هنگامی که کتاب «غایة التعمیل» او را که در باب خود تازگی دارد و موضوع آن بیان اوزان و مقایس و مکابیل است بدست گرفت که نگاه کند بیش از نیمساعت بمطالعه صفحات مختلف آن مشغول شد بالاخره بعد از آنکه نام این کتاب را هم با جمله‌های آغاز و انجام آن در دفتر خود یادداشت کرد بوقی زدن آن پرداخت تا صفحه سفیدی را پیدا کرد و بنوشتن در آن اشتغال جست، وقتی تحریرش در صفحه سفید آن کتاب پایان رسید و آنرا بر زمین نهاد و کتاب دیگری را برداشت من با کسب اجازه از مرحوم سردار نسخه غایة التعمیل را برداشتم تا ببینم در آن چه چیز مرقوم فرموده است دیدم اجازه‌ای بمرحوم سردار داده و پس از ستودن مراتب علمی او اجازه روایت کتب خود و کتب علماء شیعه بخصوص کتب اربعه را با و مرحمت کرده است، من آنرا بسردار ارائه دادم و او بعد از خواندن آن از علامه مذکور سپاسگزاری نمود.

اجازاتی که مرحوم سردار داشت بعضی مشعر بر تصدیق ببلوغ او بمرتبه رفیعه اجتهاد و بعضی دیگر حاکی از تصدیق باهلیت او برای روایت حدیث بود و تمام مشایخ اجازه اش بهترین لفظ و عالیترین معنی را در وصف فضائلش بر زبان قلم جاری ساخته بودند .

آنچه مرحوم سردار در مدت عمر خویش از مطالب علمی و ادبی برشته تحریر در آورد برخی نامدون در حواشی کتب باقی ماند و بعض دیگر مدون بصورت کتاب درآمد ، مسطورات نامدوش بسیار است و اگر آنچه را بعنوان حاشیه و تعلیق بر کتب مهمه نوشته است در یکجا جمع میکردند بدون مبالغه کمتر از بیست مجلد کتاب نمیشد مع الاسف کتب کتابخانه او پس از فوتش متفرق گردید و هرگز حواشی و تعلیقات او دیگر در یکجا جمع نخواهد شد امامهمترین تألیفات و تصنیفات مدونه اش که بعضی در چند جلد میباشد بدینقرار است :

(۱) الاربعین فی فضائل امیر المؤمنین (۲) جمع اشعار ابی طالب بصورت دیوان شعر (۳) غایة التمدیل فی معرفه حقیقه الاوزان و المکابیل (۴) تبصرة الحرفی تحقیق الکر (۵) شرح خطبه حضرت زینب در کوفه (۶) العلم الشاخص فی اسرار ظل الشاخص در اعمال فلکی (۷) شرح قصیده لامیه ابی طالب (۸) تحفه الاجله فی معرفه القبله در علم هیئت (۹) کشف القناع فی تحقیق الميل و الذراع (۱۰) شرح تهذیب المنطق (۱۱) تحفه الاحباب فی بیان آیات الکتاب (۱۲) در المثنوی (۱۳) رساله ای در نقد تفسیر طنطاوی (۱۴) ترجمه کتاب التحصیلن فی صفات العارفين از عربی (۱۵) ترجمه کتاب هندسه تادتر از انگلیسی (۱۶) ترجمه الكنز المبدول للفنی و الفقیر از عربی (۱۷) ترجمه انجیل بر نابا از انگلیسی و عربی (۱۸) ترجمه و شرح دعای ندبه (۱۹) شرح حدیث امیر المؤمنین در بیان قطر و محیط شمس و قمر و بیان اختلاف افقی شمس مطابق با اکتشافات عصر حاضر (۲۰) ترجمه المراجعات تألیف علامه شرف الدین العاملی (۲۱) قبله شناسی از این کتب : ترجمه انجیل بر نابا ، تحفه الاجله ، قبله شناسی و مناظرات در زمان حیات مؤلف بچاپ رسیده و من برد و کتاب آخر مقدمه هایی نوشته ام اما افسوس که مناظرات بسیار مخلوط طبع شده و جلدهای کتاب قبله شناسی هم بداست .

سیزده کتاب اول این فهرست بزبان عربی و بقیه بزبان فارسی نگارش یافته است ، هشت مجلد از آنها مربوط بعلوم ریاضی میباشد و بخصوص وی در کتابهای هشتم و بیست و یکم کوشیده است برای استخراج جهت قبله واقعی طرق عدیده علمی بامثالهای متعدد ارائه کند . وی در این دو کتاب پس از

آنکه کیفیت عمل بدائرة هندیه و اسطرلاب و عرض اوسط و سلک مرکاتور و مثلثات کروی و غیر اینها را توضیح داده است طرق متعدد ریاضی را که از استنباطات خودش بوده و طالبانرا مطمئن تر بمطلوب میرسانند بیان کرده است از اظهار نظرهایش راجع بعمل بوسائل مذکور و تحقیق در جائی نبودن اکثر بلکه تمام طرقی که قدامت بعلت کامل نبودن آلات و ادواتی که در اختیار داشتند در همه شهرها و همچنین از مثالهای ریاضی که برای مسائل زده و در اغلب آنها کرمانشاه را که موطنش بوده مورد مثال و حساب قرار داده است میتوان بر درجه احاطه اش بر علوم ریاضی آگاه شد. او برای توجیه توجهش باین مسأله در فصل بیستم کتاب «قبله شناسی» نوشته است:

در این تردیدی نیست که معرفت قبله مثل سائر مسائل شرعیه بر هر مکلفی واجب است یا باجتهاد یا بتقلید کسی که عالم بآن باشد و در آن بحسب وسع و طاقت تحرری و اجتهاد لازم است و اینکه شریعت مطهره سهله و سمحه است مقتضی آن نیست که در مسائل شرعیه تسامح و تساهل شود و برای اینکه اهمیت مسأله را از نظر شرعی و عامی نشان دهد بعنوان مثال در همان فصل مینویسد:

«مسافت میان کرمانشاه و مکه مکرمه چهارده درجه و بیست و یک دقیقه و پانزده ثانیه است که هشتصد و شصت و یک میل بحری و ربع میشود و بمیل مشهور تقریباً نهصد و پنجاه و هفت میل مشهور عربی و بمیل شرعی تقریباً هشتصد و بیست میل شرعی و ربع میشود پس بموجب نسبت مذکوره هر گاه يك انگشت در کرمانشاه از قبله منحرف بایستیم لازم آید که تقریباً بیست میل مشهور از قبله منحرف باشیم که شش فرسخ و دومیل میشود و بمیل شرعی هفده میل میشود تقریباً که پنج فرسخ شرعی و دومیل شرعی است تقریباً و مشهور آنست که مسافت حد حرم چهار فرسخ است پس لازم آید که بواسطه انحراف يك انگشت از قبله در کرمانشاه يك فرسخ شرعی و دوثلث یاد و فرسخ و دوثلث مشهور از حد حرم خارج شده باشیم».

علاقه شدید سردار کابلی بعلوم ریاضی توأم با تشریح سبب شده بود بمبحث قبله که از میانۀ مباحث فقهی بار ریاضیات بخصوص با هیئت ارتباط مستقیم دارد توجه زیاد پیدا کند. وی در این باب تحقیقات بسیار داشت و زمانی که آیه‌المرحوم حاج آقا حسین قمی از مشهد عازم نجف اشرف بودند در سر راه خود بنا بر استدعای اهالی چند روز در کرمانشاه اقامت فرمودند

من خود حاضر و ناظر بودم که همه روزه - هر روز قریب سه، چهار ساعت - با مرحوم سردار فصل اول از مقصد ششم کتاب «حبل المتین» تصنیف شیخ بهائی و مبحث قبله از کتاب الصلوة «مسئند» نراقی را مباحثه مینمودند و آیه الله فقید میفرمودند چون شیخ بهائی و محقق نراقی عالم بلوم ریاضی بوده اند در میانه کتب فقهی راجع بمسأله قبله بالاخص بنوشته های این دو عالم بزرگوار اهمیت مخصوص میدهم و از آنجائیکه واقف بمهارت سردار کابلی در ریاضیات بودند در آن چند روز با همه عظمت و مقامی که داشتند بمنوان سؤال بصورت استفهام و استعمال درباره مطالب ریاضی آن دو کتاب از مرحوم سردار توضیحاتی میخواستند و آن مرحوم نیز مانند تلمیذی که آنچه از استاد خود فرا گرفته است - باو تحویل دهد با کمال فروتنی بسؤالات ایشان پاسخ میدادند گاهی هم مثالهای ریاضی را روی صفحه کاغذی حساب میکردند و از نظر ایشان میگذرانیدند.

علم الله که نه چنان مجتهد عظیم الشانی آن استفهامات و استعلامات را دون مقامات علمی خود میدانستند و نه چنان دانشمند میرزی از اینکه میفوانند بسؤالات ایشان پاسخ دهند بر خود میبالیدند - سقى الله تعالى ثراهما -

نظر به مقام شامخ علمی و مهارتی که سردار کابلی در ریاضیات داشت در سال ۱۳۷۱ قمری که بم مشرف شد آیه الله مرحوم حاج آقا حسین بروجردی زعیم شیعہ از او تقاضا فرمودند در قم توقف کنند و در حوزة علمی آنجا بتدریس ریاضیات مشغول گردد با آنکه باین کار علاقه مند بود و بدرخواست آیه الله فقید نیز جواب مثبت داد معذالك نتوانست به این نیت جامع عمل پیوشاند زیرا هنگامی که بکرمانشاه بازگشت و خودر آماده میکرد که بم هجرت کند بملت عارضه قلبی در شب هفتم ماه جمادی الاولی سال ۱۳۷۲ هنگامی که سه رکعت از نماز عشاء را خوانده و برای اتمام رکعت چهارم در حال قیام بود ناگهان بر زمین افتاد و بدون اینکه بتواند يك كلمه سخن گوید در سن ۷۹ سالگی جان بجان آفرین تسلیم کرد.

مرد جامی پسر تربت او بنویسید هذه روضة من حل به المشق فمات بموجب وصیتی که کرده بود جنازه اش را پنجف حمل کردند و پیش از ظهر روز دوشنبه دهم مساء مزبور در وادی السلام نزد قبر پدش او را بخساک سپردند.

وهب الدهر نفيساً فاسترد      ربما جاد بخیل فحمد  
 مات من لوعاش في سرباله      غلب النور عليه فاتقد  
 انما كان شهاباً ثاقباً      صمق الليل له ثم خمد

از سردار کابلی سه پسر و يك دختر باقی ماند ، پسرانش بترتیب آقایان  
 عبدالامیر ، زین العابدین و دکتر عبدالنبی میباشد ، آنان پس از مرگ  
 پدر در خوزستان مقیم شدند و دیرعه دیست که هیچیک رانندیده و نتوانستهم  
 بوی گل را از گلاب بجویم .

کتابخانه او را ورثه اش از کرمانشاه بطهران آوردند و بمرض حراج  
 نهادند ، او خود بسیاری از نسخ نفیسه و کتب نادره کتابخانه اش را  
 بکتابخانه های عمومی اهداء کرده بود و آنچه در حین مرگش وجود داشت  
 قریب دوهزار مجلد میشد که اکثر چاپی و بزبانهای انگلیسی و عربی و فارسی  
 بودند چنانکه بیاد دارم او چندین بار کتب کتابخانه اش را با کتب دیگر معاوضه  
 نمود و آنچه موجود بود از کتب مهمه و معتبره علوم و فنون بشمار میرفت  
 که اغلب مزین به حواشی و تعلیقات او بودند ، شادم از اینکه در موقع حراج  
 کتابخانه آن بزرگوار من در طهران نبودم و منظره حسرت بار تفرق کتاب  
 های او را که زمانی گرامی ترین اشیاء صاحبش بودند ندیدم .

اکنون که قلم از تحریر حوادث زندگانی و شرح فضائل آن استاد علامه  
 بنوشتن واقعه مرگش پرداخت من نیز قلم را بیکسو میافکنم و ضمناً امید  
 صادق و رجاء و اثق دارم که با تحریر این صحائف توانسته باشم لااقل یکی  
 از صدها حقوقی که او در تعلیم و تربیت بزمه این ناچیز ثابت داشته است  
 ادا کنم .

الى الله اشكو لا الى الناس اننى      ارى الارض تبقی والاخلاء تذهب  
 اخلاى لو غير الحمام اصابكم      عثبت ولكن ما على الدهر معتب  
 ( پایان )

عبارات زیر را در مقالات مربوط بسردار کابلی اینطور تصحیح فرمایید :  
 شماره ۶ صفحه ۵۴۶ سطر ۱۰ : فما بقى الملوك ولا القصور  
 ۸    ۷۰۱    ۱۹ : شيبك خان دشمن با برو شاه اسماعیل بود  
 د    د    ۲۰ : این دو نفر برای دفع دشمن مشترك با هم